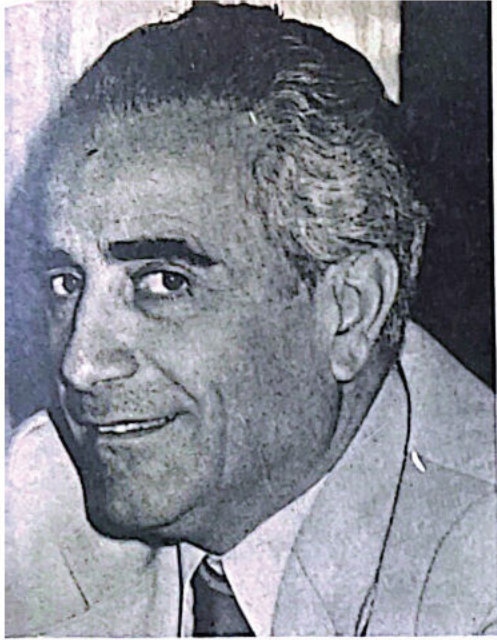


دیدار با محسن پزشکیور

در فعالیت گروه‌های چپ،

تحولات مهمی رویداده!



محسن پزشکیور ۵۱ سال دارد، اما حدود ۳۷ سال است که فعالیت سیاسی میکند از زمانی که محصل سال ششم دبستان امیرمعزی بود. او از پر سروصداترین نمایندگان دو دوره مجلس شورای ملی منحل بود و در دوره اخیر، به همراه احمد بنی احمد گروه پارلمانی اقلیت مجلس را در برابر اکثریت مطلق رستاخیزی بوجود آورد که موجب حرکتی وسیع و بسپایقه در مجلس پس از ۲۸ مرداد بود.

دراوائل انقلاب، صفحات مطبوعات خارج از عکسها و مصاحبه‌های پزشکیور انباشته بود، اما حالا، برغم همه مخالفت‌هایی که طی سه سال واندی دوره نمایندگی با دولت‌های هویدا، آموزگار، شریف‌امامی، از هاری و بختیار داشته و برغم همه همگامی‌هایی که از آغاز تا پیروزی انقلاب، با جنبش مردم داشته، بتصمیم شورای انقلاب و به همراه بنی احمد و دیگر نمایندگانی که پس از صدور دستور امام، از نمایندگی استعفاء داده‌اند، ظاهر "برای مدت پنج سال از فعالیت‌های سیاسی کنار گذاشته شد. این گفتگو حاصل دیدار کوتاهی است که پس از اعلام نظر شورای انقلاب، با او داشته‌ام:

● از میان جریانات سیاسی

موجود مجاهدین خلق را

بیشتر می‌پسندم

● چریک‌های فدائی، نقش

مهمی در اشاعه «مار کسیم»

غیر وابسته» داشته‌اند

با دکتر عاملی و دکتر بهره‌مند و چند نفر دیگر همکلاس و همفکر بودیم. هشتم شهریور ۲۰ بود که تانکها و سر بازان اشغالگر به تهران رسیدند. در همین منطقه پل چوبی امروز، من حیرت‌زده و مغموم شاهد عبور تانکهای روسی بودم و به همراه چند همکلاسی، با سنگ به تانکها و سر بازان بیگانه حمله کردیم. بعد به شعار - نویسی روی دیوارها علیه اشغالگران پرداختیم و شعارهای پارچه‌ای آنها را پاره میکردیم و همین، آغاز تشکل ما و آغاز مبارزه‌ای بود که بعدها به نهضت پان ایرانیسم و حزب پان - ایرانیست منجر شد. در سال سوم دبیرستان بودم که "انجمن" را بوجود آوردیم که علاوه بر کار سیاسی، بیک سری عملیات نظامی و تخریبی علیه اشغالگران نیز دست می‌زد و بعد، باشگاه ایراندوست تشکیل شد که محل تجمع جوانان پرشوری بود که جز ایران بهیچ چیز فکر نمی‌کردند و علائق شدید ناسیونالیستی داشتند. در سال ۱۳۲۶، هشتم خرداد بود که یکی از بهترین همفکران ما، علیرضا رئیس که از اعضای موثر شاخه نظامی بود، حین ساختن بمب دستی شهید شد. در شب هفت شهادت "رئیس" فرمانی نوشته شد بنام "فرمان رئیس" که در واقع مانیفست فعالیت‌های ما بود و از همان زمان، نهضت ما نام "پان ایرانیسم" بخود گرفت و بمرور که هم از حیث مبانی ایدئولوژیکی و هم از جهت اعضا و کادرهای

نمایندگان پان ایرانیست یادتان هست که صریحا" اعلام کرده بود کسانی که نخواهند از کانال رستاخیز بگذرند، در فعالیت‌های سیاسی آینده نقشی نخواهند داشت. حتی علیه نمایندگان پان ایرانیست و آقای بنی احمد در حوزه‌های انتخابیه ما میتنگ‌های قلابی تشکیل دادند و طی آن جمعیتی که بدستور حزب منحل رستاخیز اجتماع کرده بودند، ما را از نمایندگی خود خلع کردند. و خود شما بهتر میدانید که روزنامه‌ها تا زمان شریف‌امامی حتی اسم ما را نمی‌توانستند چاپ کنند، خوب، حالا قضاوت امر با مردم ایران است که آیا چنین تصمیمی صحیح است یا خیر؟ اتفاقا" آن نامه را هم بهمین دلیل "خطاب به ملت ایران" نوشتیم، زیرا تنها قاضی عادل و صالح، ملت ایران است و مادر آن‌نامه، صریحا" قید کردیم که هدف از نوشتن این نامه فقط ارجاع امر قضاوت درباره ما به شماست و والا، مادر عمر مبارزات سیاسی خود، از این جور مسائل زیاد دیده‌ایم و هرگز هم از ایفای وظیفه، طلب مزد و پاداش نکرده‌ایم و نخواهیم کرد.

● مختصری از حزب خودتان بگوئید. "پان ایرانیست" از احزاب بسیار قدیمی است. ● بله! اگر بخواهم همه چیز را بگویم که همان مثنوی معروف میشود، اما مختصرش این است که من کلاس ششم دبستان امیر معزی بودم،

● آقای پزشکیور! لایحه از ماده واحده‌ای که به تصویب شورای انقلاب رسیده خبر دارید؟ می‌خواستم نظر خودتان را درباره این لایحه بپرسم.

● این مساله را در نامه سرگشاده‌ای که خطاب به ملت ایران نوشتم مطرح کردیم، هم من و هم دیگر نمایندگان پان ایرانیست در مجلس سابق؛ مهندس ظفری، دکتر طبیب و منوچهر یزدی، در آن نامه، خیلی فشرده و غوسا قدماتی را که در مجلس انجام دادیم برشمردیم، با اینحال ۱۷ صفحه شد! در آنجا خطاب به ملت ایران نوشتم که چگونه از روز نخست افتتاح مجلس ۲۴ منحل، جز سربلندی و جزایفای سوگندی که خورده بودیم، به چیزی نیندیشدیم و چگونه در برابر تمامی لوایح و اقدامات ضد ملی حکومت‌های هویدا و آموزگار و شریف‌امامی و از هاری و بختیار، ایستادگی کردیم، که مجموع آن چند استیضاح و صدها سؤال و تذکر و حتی "اوبستراسیون" است.

تلاش‌های پارلمانی ما به همراه معدودی از نمایندگان اقلیت، در جهت همگامی با انقلاب برحق مردم وقتی اوج گرفت که هنوز دستگاه سابق در اوج قدرت بود و مثل زمان شریف‌امامی بعد، متزلزل نشده بود. بخاطر این فعالیت‌ها هم مورد هجوم و بیورش اکثریت مجلس و دولت‌های وقت بودیم و لابد جبهه‌گیری شدید و خصمانه سخنگوی وقت دولت (همایون) علیه

فعال بحد مطلوب رسیدیم، در سال ۱۳۳۵ "حزب پان ایرانیست" را بوجود آوردیم. آن زمان من دانشجوی دانشکده حقوق بودم که مرکز داغترین مبارزات سیاسی، بخصوص میان ناسیونالیست‌ها و عناصر معروف به "توده‌نگفتی" بود.

• اوضاع کنونی را چگونه می‌بینید؟

• متأسفانه باید بگویم در موارد متعددی، اقدامات نهادهایی که وظیفه ایجاد چنین نظامی انقلابی را برعهده دارند، بر شناختی انقلابی متکی نیست و بیم آن می‌رود که آن کارایی و بهره‌گیری درخشان انقلابی در پاره‌ای موارد بدست نیاید. انقلاب ایران علاوه بر تغییر بنیانی نظامات موجود، باید چنان عمل کند که تکیه‌گاه محکمی نیز برای کمک به انقلابات آزادی‌بخش بسیاری از سرزمین‌های مسلمان نشین ایران در منطقه و دیگر سرزمین‌های جهان پهنای اسلام باشد. توجه داشته باشیم که اگر شناخت ما از کلیت و جامعیت انقلاب، دچار تزلزل شود، نه تنها موجبی برای اتکای نیروهای انقلابی سرزمین‌هایی که برشمرده نخواهد شد، بلکه در درون خود نیز با ناکامی‌هایی مواجه می‌شود که در آن صورت تاریخ و نسل‌های آینده، مسبب این ناکامی‌های انقلابی را نخواهد بخشید.

• با توجه باینکه شما حقوقدان و عضو هیات مدیره کانون وکلای هستید، راجع به قانون اساسی و نحوه تصویب آن چه می‌گوئید؟

• بعقیده من قانون اساسی، سندی برای تعیین سرنوشت نسل‌های آینده و ضامن پیروزی این انقلاب است. اگر قانون اساسی، دقیقاً متکی بر شناختی از موجودیت کامل ملت ایران نباشد و نتواند در جهت وحدت و سر بلندی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ملت ایران عمل کند، در واقع نمی‌تواند پیروزی و سرفرازی را برای انقلاب ضمانت کند. در این زمینه بخصوص بر رعایت اصل مهم دموکراسی و تفکیک قوا تاکید می‌کنم. درباره نحوه تصویب آن نیز با تاکید می‌گویم که باید از طریق مجمع ملی یا مجلس موسسان بتصویب برسد. قانون اساسی دارای فصول متعددی است و هر فصل نیز اصول متعددی دارد. ممکن است دسته‌ای از مردم با بعضی اصول موافق باشند و با برخی دیگر نباشند. برای گذاشتن قانون اساسی بنظر من صحیح و منطقی نیست.

• درباره گروه‌های سیاسی موجود چه نظری دارید؟

• فعالیت آزاد سیاسی و اجتماعی و گستردگی تشکیلات و سازماندهی‌های سیاسی، نشانه سلامت و پایداری یک جامعه است. از این حیث معتقدم که کلیه احزاب و دستجات سیاسی و اجتماعی باید از آزادی کامل برخوردار باشند، تنها شرط ممنوعیت فعالیت سیاسی، وابستگی احزاب به سیاست‌های بیگانه است.

• از میان گروه‌های سیاسی موجود کدام را بیشتر

می‌پسندید؟

• من شخصاً کار سازمان مجاهدین خلق را بسیار جالب می‌بینم. سابقه مبارزات آنها و جهان‌بینی‌شان، نشانه درک صحیح آنها از اسلام و مصالح ملت ایران است. مجاهدین، آدم‌های وطن پرستی هستند و با رقه‌های زیادی از روحیه ملی‌گرائی و ناسیونالیستی در آنهاست. بهمین جهت هم وقتی آنها علیه دخالت‌های امپریالیسم آمریکا اعلام راه‌پیمایی کردند، ما هم پاسخ مثبت دادیم و بیانیه‌ای هم در تأیید آنها صادر کردیم.

• درباره گروه‌های چپ؟

• خوشبختانه در سال‌های اخیر، تحولات مهمی در فعالیت گروه‌های چپ بوجود آمده، و فضای سیاسی خاصی که انقلاب ایجاد کرده، بر این تحول اثر مثبت گذاشته. این تحول عبارت از این است که فعالیت گروه‌های چپ، برخلاف سال‌های بعد از شهریور ۲۰، دیگر الزاماً بمعنی وابستگی به سیاست‌های بیگانه ضد ایرانی نیست. امروز غالب مبارزان، و از جمله بسیاری از گروه‌های چپ، وقتی از مارکسیسم سخن می‌گویند، آن را با وابستگی به فلان قدرت خارجی قاطعی نمی‌کنند، بلکه فلسفه سیاسی و اقتصادی مارکسیسم را از دریچه مصلحت‌ها و مسائل ملی ایران مطرح می‌کنند. این تحول، حائز ارزش است. من به شخصه معتقدم که این تحول، نه تنها در ایران، بلکه اصولاً در فضای سیاسی جهان‌سالی‌های اخیر بوجود آمده که باید آن را سال‌های پیروزی و گسترش این طرز فکر خواند. یکی از خصوصیات مهم دوران مبارزات ضد استعماری همین است که نیروهای سیاسی هر ملت معتقد شوند که باید تنها در پناه موضع ملی مبارزه کنند و به هیچ قدرت غیر ملی اتکا نکنند. ما، البته با مارکسیسم اختلافات عقیدتی داریم. با اینحال، بروز این تحول و اشاعه "مارکسیسم ملی" را بمنزله سرآغازی برای یک تفاهم کلی و ملی همه نیروهای سیاسی در جهت کوشش عمومی برای ساختن ایرانی آباد، آزاد و سر بلند میدانیم. وقتی مساله وابستگی به سیاست‌های بیگانه منتفی باشد، و وقتی به اصلت ملی نیروهای سیاسی اطمینان حاصل شد، همه نیروها می‌توانند در دست هم داشته باشند و علیه امپریالیسم شرق و غرب که دشمنان اصلی ملت ما هستند مبارزه کنند و مبارزه هماهنگ و با تحرک و موثر و کوبنده داشته باشند.

• راجع به چریک‌های فدائی خلق چه نظری دارید؟

• تا آنجا که نشریات و نوشته‌های آنها را خوانده‌ام، از جمله گروه‌هایی هستند که از جهت کلی، به نوعی "مارکسیسم غیر وابسته" ابراز تمایل می‌کنند، حتی در برخی از نوشته‌هایشان نیز نسبت به مسایل ملی نقطه نظرهای روشنی مطرح شده حتی یک گروه چپ دیگر، از "ناسیونالیسم مترقی" ایران نام برده است. البته به عقیده من، ناسیونالیسم، برخلاف

آنچه شایع است بافاشیسم، راسیسم و شوونیسم، بکلی متفاوت است و هیچ وجه مشخصه‌ای با این مکاتب استعماری ندارد. ناسیونالیسم مکتب اصلت ملت است. یعنی از حیث تاریخی ملت ایران را بما می‌شناساند، و از حیث اجتماعی و اقتصادی، برنامه‌هایی ارائه می‌دهد که ضامن رفاه عمومی، رفع تبعیضات و اختلافات و ستم طبقاتی، و در نهایت سلامت جامعه است که همان "سوسیالیسم" باشد. باین اعتبار، ناسیونالیسم مترقی و ارتجاعی، یا مثبت و منفی نداریم. ناسیونالیسم یعنی مکتب زندگی ملت‌ها، از حیث تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی. با این حال، همین‌گرایش بسیار امیدوارکننده‌ای است و امیدوارم این اظهار تمایل نسبت به مسائل ملی و گرایش به ناسیونالیسم ایرانی از طرف همه گروه‌های سیاسی هر چه بیشتر و وسیع تر مشهود گردد. درباره چریک‌های فدائی، این نکته را هم بگویم که حضور آنها در اشاعه "مارکسیسم غیر وابسته" در فعالیت‌های عمومی جناح چپ ایران، نقش مهمی داشته است.

• آخرین سؤال درباره فعالیت‌های آینده حزب پان ایرانیست است. چه برنامه‌هایی برای گسترش فعالیت‌های حزب دارید؟

• ما اکنون بشدت سرگرم بازسازی انبوه نیروهای هستیم که دائماً با رجوع می‌کنند. آن نطق‌های نمایندگان که در زمان شریف‌امامی از رادیو پخش شد، موقعیتی مفتنم و استثنائی بود که ماحرف‌های خود را بگوش همه مردم ایران برسانیم. بدنبال آن نطق من و دیگر نمایندگان پان ایرانیست که پخش شد، مراجعه انبوه بسیار وسیعی از هم‌میهنان ما به حزب ما، برآستی باور نکردنی و غرور انگیز بود. اینان در واقع مردمی بودند سرشار از بارقه‌های وطن پرستی و شور مبارزات سالم سیاسی، که تا کنون شاید جز نامی از ما و حزب ما نشنیده بودند. بعد از پیروزی انقلاب و با جزیاناتی که این اواخر، از سوی عناصر غیرمسئول و ناآگاه در جهت تخطئه و یا ناچیز شمردن احساسات میهن - پرستی و روحیه ناسیونالیستی رخ داده، مراجعه گروه‌های مختلف مردم به حزب ما بسیار زیادتر شده است. اکنون حزب پان ایرانیست، بصورت تنها حزبی در آمده که می‌تواند ملجا و ما من همه کسانی باشد که به میهن خود شدیداً عشق می‌ورزند و میخواهند نام ایران و درفش ایران همچنان سر بلند بماند. فکر میکنم به سابقه دهها سال مبارزه‌ای که در این راه داشتیم، بتوانیم همه نیروهای ناسیونالیست و آرمانخواه را متشکل کنیم. بهمین منظور، اغلب نشریات قدیمی خود را که بسیاری‌شان مدت‌ها ممنوع بودند، تجدید چاپ کردیم، بزودی روزنامه‌ای هم منتشر می‌کنیم و تا آخر این ماه هم شورای بزرگ ملی حزب پان ایرانیست که در واقع هفتیمین کنگره حزب ما است تشکیل میشود.